

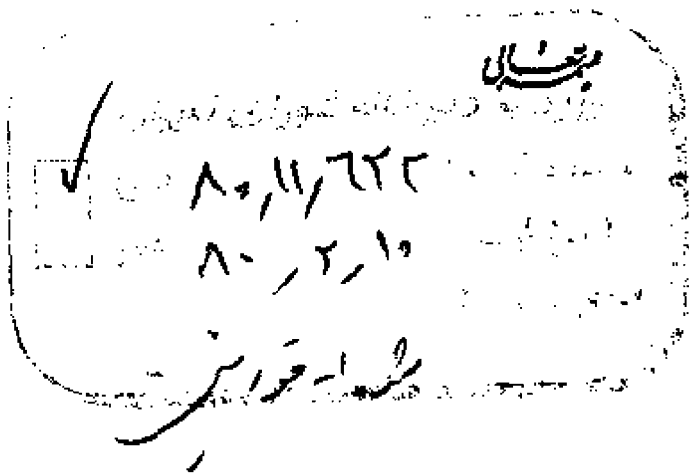
شماره ۷۵۵



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

تاریخ ۹ - ۱۲۲ - ۱۳۸۰
پیوست ۲۷ برگ



شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۲۸۸۹۴/۲۳۳۳۰ مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۳ دولت
در خصوص موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری
سوسیالیستی دموکراتیک سریلانکا به منظور اجتناب از اخذ مالیات
مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیات بردرآمد که در جلسه علنی
روز دوشنبه مورخ ۱۳۸۰/۲/۳ مجلس شورای اسلامی عیناً به تصویب
رسیده است، در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جهت بررسی
و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می شود.

مهدی کروی
رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره ۷۵۵-ج

تاریخ ۹-۱۲-۱۳۸۰

پیوست

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

<input checked="" type="checkbox"/>	شماره ثبت: ۸۰/۱۷/۳۳ ب
<input type="checkbox"/>	تاریخ ثبت: ۸۰/۲/۱۶ ع
	اقدام کننده:

سید علی خامنه‌ای

بسم الله

**لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و
دولت جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک سریلانکا به
منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار
مالی در مورد مالیات بر درآمد**

ماده واحده - موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک سریلانکا به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیات بر درآمد، مشتمل بر یک مقدمه و بیست و نه ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت
جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک سریلانکا به منظور
اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی
در مورد مالیات بر درآمد**

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک سریلانکا با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد، به شرح زیر توافق نمودند:

بیمه

ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه:

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲ - مالیاتهای موضوع موافقتنامه:

۱ - این موافقتنامه شامل مالیات بر درآمدی است که صرفنظر از نحوه اخذ آنها، از سوی هر دولت متعاقد وضع می‌گردد.

۲ - مالیات بر درآمد عبارت است از کلیه مالیاتهای موضوعه بر کل درآمد، یا اجزای درآمد، از جمله مالیات درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول.

۳ - مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه بخصوص عبارتند از:

الف - درمورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد

ب - درمورد سریلانکا:

- مالیات بر درآمد، منجمله مالیات بر درآمد مربوط به فروش مؤسساتی که دارای مجوز از هیأت سرمایه‌گذاری هستند.

۴ - این موافقتنامه شامل مالیاتهای نظیر یا در اساس مشابهی که طبق تعریف بند

(۳) این ماده طبقه‌بندی شده، و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه و یا به

جای مالیاتهای موجود وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد،

ظرف مدت معقولی یکدیگر را از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل

شود، مطلع خواهند نمود.

تعیین

ماده ۳ - تعاریف کلی :

۱ - از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا نماید، معانی اصطلاحات به قرار زیر است:

الف - اصطلاح "یک دولت متعاهد" و "دولت متعاهد دیگر" بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا سریلانکا اطلاق می شود.

ب - اصطلاح "جمهوری اسلامی ایران" به مناطق تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود.

- اصطلاح "سریلانکا" به جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک سریلانکا، شامل کلیه مناطق خارج از دریای سرزمینی سریلانکا که طبق حقوق بین الملل یا به موجب قوانین سریلانکا در مورد فلات قاره به عنوان منطقه ای که در حدود آن حقوق سریلانکا در خصوص آبها، بستر دریا و زیر خاک، و منابع طبیعی می تواند اعمال شود، شناخته شده یا ممکن است بعداً شناخته شود اطلاق می شود.

پ - اصطلاح "شخص" اطلاق می شود به :

- شخص حقیقی، شرکت و هر مجموعه دیگری از افراد.

ت - اصطلاح "شرکت" اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود.

ث - اصطلاح "مؤسسه یک دولت متعاهد" و "مؤسسه دولت متعاهد دیگر" به ترتیب به مؤسسه ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاهد و مؤسسه ای که به وسیله مقیم دولت متعاهد دیگر اداره می گردد اطلاق می شود.

ج - اصطلاح "حمل و نقل بین المللی" به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی یا هواپیما که توسط مؤسسه یک دولت متعاهد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی یا هواپیما صرفاً بین نقاط واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود اطلاق می گردد.



تعالیه

ج - اصطلاح "تبعه" اطلاق می شود:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاقد باشد.
- هر شخص حقوقی، مشارکت یا اتحادیه ها که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب نماید.

ح - اصطلاح "مقام صلاحیتدار" اطلاق می شود:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران؛
- به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او.
- در مورد سریلانکا:

رئیس کمیسیون درآمد داخلی.

- ۲ - در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه است، بجز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد.

ماده ۴ - مقیم :

- ۱ - از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح مقیم یک دولت متعاقد به هر شخصی اطلاق می شود که به موجب قوانین آن دولت متعاقد از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل مدیریت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد.
- ۲ - در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:
- الف - او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

تعمین

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت - هرگاه او تابعیت هر دو دولت متعاهد را داشته باشد یا تبعه هیچ یک از آنها نباشد، موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد حل و فصل خواهد شد.

۳ - در صورتی که حسب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، آن شخص، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است.

ماده ۵ - مقرر دائم :

۱ - از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقرر دائم" به محل ثابتی اطلاق می شود که از طریق آن، مؤسسه یک دولت متعاهد کلاً یا جزئاً در دولت متعاهد دیگر به کسب و کار اشتغال دارد.

۲ - اصطلاح "مقرر دائم" بویژه شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره

ب - شعبه

پ - دفتر

ت - کارخانه

ث - کارگاه

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره برداری یا



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۵۵

تاریخ ۱۳۸۰ / ۹ / ۹

پیوست

تعلیقات

استخراج از منابع طبیعی.

۳ - کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن و یا نصب ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن "مقر دائم محسوب می شوند ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتهای بیش از (۱۲) ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴ - علی رغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح "مقر دائم" شامل موارد زیر نخواهد

شد:

الف - استفاده از تسهیلات، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای

متعلق به مؤسسه.

ب - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش.

پ - نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط

مؤسسه دیگر.

ت - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا

گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه.

ث - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تبلیغات، گردآوری

اطلاعات، تحقیقات علمی یا سایر فعالیتهای مشابه که برای آن مؤسسه دارای جنبه

تمهیدی یا کمکی باشد.

ج - نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور هر ترکیبی از فعالیتهای مذکور

در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این

ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵ - علی رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که

دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۶) است) در یک دولت متعاقد از طرف

مؤسسه دولت متعاقد دیگر فعالیت کند آن مؤسسه در مورد فعالیتهائی که این شخص

بیمه

برای آن انجام می دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد. در صورتی که چنین شخصی:

الف - دارای اختیار انعقاد قرارداد در آن دولت به نام آن مؤسسه باشد و آن را به طور معمول اعمال نماید، مگر آنکه فعالیت های این شخص محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که چنانچه از طریق یک محل ثابت شغلی نیز انجام شود، حسب مقررات بند مذکور این محل ثابت شغلی را به یک مقر دائم تبدیل نخواهد کرد، یا

ب - دارای اختیار مزبور نباشد، لکن معمولاً در دولت نخست انبار کالا یا اجناس را نگهداری می کند که از طریق آن منظمأ کالا یا اجناس را از طرف آن مؤسسه تحویل می دهد، یا

پ - معمولاً سفارشات را برای آن مؤسسه و مؤسسات دیگری که توسط آن مؤسسه کنترل می شوند یا در آن دارای سود کنترل شده می باشند در دولت نخست، تأمین می نماید.

۶ - مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق العملکار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می پردازد، دارای مقر دائم در آن دولت متعاقد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع ذلک، هرگاه فعالیت های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این عامل و آن مؤسسه در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷ - صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم و یا فعال در دولت متعاقد دیگر را کنترل می کند و یا تحت کنترل آن قرار دارد (خواه از طریق مقر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی

تعلیقات

نخواهد بود.

ماده ۶ - درآمد حاصل از اموال غیر منقول:

۱ - درآمد حاصل از اموال غیر منقول می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی شود که این اموال در آن واقع می باشد.

۲ - اصطلاح "اموال غیر منقول" دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، چاههای نفت یا گاز، معدن سنگ و سایر مکانهای استخراج منابع طبیعی منجمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتیها، قایقها و هواپیما به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳ - مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴ - مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷ - درآمدهای تجاری:

۱ - درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را

تعالیه

انجام دهد.

چنانچه مؤسسه به ترتیبی که ذکر شد به کسب و کار پردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر می شود که مرتبط با:

الف - مقر دائم مذکور باشد،

ب - فروش کالاها یا اجناس در آن دولت متعاقد دیگر از همان نوعی باشد که از طریق آن مقر دائم فروخته شده است، یا

پ - سایر فعالیتهای کسب و کار انجام شده در آن دولت دیگر که عیناً یا مشابه فعالیتهای انجام شده از طریق آن مقر دائم باشد.

۲ - با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، که مؤسسه یک دولت متعاقد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاقد، دارای درآمدی تلقی می شود که اگر به صورت مؤسسه ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه ای که مقر دائم آن است به فعالیتهای نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می توانست تحصیل کند.

۳ - در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه های قابل قبول از جمله هزینه های اجرائی و هزینه های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه ها برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر.

۴ - چنانچه در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم بر اساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

بیمه

- ۵ - صرف آنکه مقر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می‌کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.
- ۶ - درآمد منظور شده برای مقر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگری وجود داشته باشد.
- ۷ - در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مفاد این ماده خدشه‌ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸ - کشتیرانی و حمل و نقل هوایی:

- ۱ - درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد بابت استفاده از کشتیها یا هواپیما در حمل و نقل بین‌المللی مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.
- ۲ - علی‌رغم مقررات بند (۱) این ماده، منافع حاصل از فعالیت کشتیها در حمل و نقل بین‌المللی در دولت متعاهدی که این فعالیتها در آن انجام می‌گیرد مشمول مالیات می‌شود، لکن مالیات متعلقه از پنجاه درصد (۵۰٪) مالیات متعلقه به موجب قوانین داخلی آن دولت تجاوز نخواهد کرد.

ماده ۹ - مؤسسات شریک:

۱ - در صورتی که:

- الف - مؤسسه یک دولت متعاهد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشد.
- یا
- ب - اشخاصی واحد به طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاهد و مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشند.

تعالیه

و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزو درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲ - در صورتی که یک دولت متعاهد درآمدهائی که در دولت متعاهد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاهد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند، و درآمد مزبور درآمندی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاهد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیلی مناسب به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقدمات صلاحیتدار دو دولت متعاهد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰ - سود سهام:

۱ - سود سهام پرداختی توسط شرکت متبیم یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲ - مع ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد.

۳ - اصطلاح "سود سهام" به نحوی که در این امر به کار می‌رود اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع یا سهام منافع مؤسسان یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق

تعلیه

شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می گردد.

۴ - هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، مجرا خواهد بود.

۵ - در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با مقر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاقد دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاقد دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱ - هزینه های مالی :

۱ - هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

۲ - مع ذلک، این هزینه های مالی ممکن است در دولت متعاقدی که حاصل شده و طبق قوانین آن نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع

بیمت

هزینه‌های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳ - اصطلاح "هزینه‌های مالی" به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و بخصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوائز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴ - علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاهد که توسط دولت متعاهد دیگر، وزارتخانه‌ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداریها، یا سایر مقامات محلی، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاهد دیگر می‌باشند، کسب می‌شوند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

۵ - هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت متعاهد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجرا خواهد بود.

۶ - هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاهد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود دولت، مقام محلی، یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد

تعلیق

یا نباشد، در یک دولت متعاهد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقرر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور در دولت متعاهد محل وقوع مقرر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۷ - در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دو آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاهد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲ - حق الامتیازها:

۱ - حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاهد حاصل و به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲ - مع ذلک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیش از هشت درصد (۸٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳ - اصطلاح "حق الامتیاز" در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی، یا فیلمها یا نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرایند سری یا استفاده یا حق

بیتان

استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، اطلاق می شود.

۴ - هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می شود از طریق مقر دائم، واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق و اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) مجرا خواهد بود.

۵ - حق الامتیاز در یک دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد که پرداخت کننده، خود آن دولت، مقامی محلی یا فردی مقیم آن دولت باشد. مع ذلک در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال موجود حق الامتیاز به نحوی مؤثر با آن مقر دائم یا پایگاه ثابت ارتباط داشته و پرداخت حق الامتیاز بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد حق الامتیاز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

۶ - چنانچه به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دو آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتیازی که با در نظر گرفتن استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی که بابت آنها حق الامتیاز پرداخت می شود، از مبلغی که در صورتی عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر مجرا خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

تعالیه

ماده ۱۳ - عواید سرمایه‌ای :

۱ - عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاهد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲ - عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۳ - عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتیها، یا هواپیمای مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها یا هواپیما فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

۴ - عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارائی آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۵ - عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۵۵ - ۶

تاریخ ۹ - ۱۱/۱ - ۱۳۸۰

پیوست

تعالیه

ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل :

۱ - درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه این شخص به منظور ارائه فعالیت خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد یا در آن دولت دیگر، در یک دوره دوازده ماهه، برای مدت یا جمع مدتهایی که بیش از نود (۹۰) روز باشد، حضور داشته باشد، که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد یا در طی دوره یا دوره‌های فوق‌الذکر در آن دولت دیگر حاصل شده باشد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۲ - اصطلاح "خدمات حرفه‌ای" بویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، وکلای دادگستری، مهندسان، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیر مستقل :

۱ - با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود که در این صورت حق‌الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲ - علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنکه :

الف - جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند نوبت در دولت متعاقد دیگر به

بیمت

سر برده است از یکصد و هشتاد و سه (۱۸۳) روز، در دوره دوازده ماهه تجاوز نکند، و
ب - حق الزحمه توسط یا از هر طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاهد دیگر نیست
پرداخت شود، و

پ - پرداخت حق الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در
دولت متعاهد دیگر دارد.

۳ - علی رغم مقررات یاد شده در این ماده، حق الزحمه پرداختی توسط مؤسسه
یک دولت متعاهد در خصوص استخدام در کشتی یا هواپیما در حمل و نقل بین المللی
فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

ماده ۱۶ - حق الزحمه مدیران :

حق الزحمه مدیران و پرداختهای مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاهد به لحاظ
سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکت مقیم دولت متعاهد دیگر تحصیل
می نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران :

۱ - درآمدی که مقیم یک دولت متعاهد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند نمایش،
سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی
خود در دولت متعاهد دیگر حاصل می نماید، علی رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)
مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می شود.

۲ - در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت
خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد
علی رغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵) مشمول مالیات دولت متعاهدی می شود که

تعالیه

فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

۳ - علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت انجام فعالیت‌های خود در دولت متعاقد دیگر در چهارچوب موافقتنامه فرهنگی میان دو دولت متعاقد تحصیل می‌نماید از مالیات آن دولت دیگر معاف خواهد بود.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی و مستمری سالانه :

۱ - با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۱۹) حقوق بازنشستگی یا سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد از منبعی در دولت متعاقد دیگر به ازای استخدام یا خدمات گذشته در آن دولت متعاقد دیگر و هر مستمری سالانه پرداختی به چنین مقیمی از چنین منبعی مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

۲ - علی‌رغم مقررات بند (۱) حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به موجب قانون تأمین اجتماعی دولتی یا قانون استخدام کشوری یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۳ - اصطلاح "مستمری سالانه" به مبلغ معین قابل پرداخت به صورت دوره‌ای، در دفعات مشخص در طول زندگی یا طی دوره خاص یا معینی از زمان، به موجب تعهد پرداخت ما به ازای کافی یا کامل به صورت پول یا معادل ارزش آن اطلاق می‌شود.

ماده ۱۹ - خدمات دولتی :

۱ - حقوق، دستمزدها و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی (به غیر از حقوق بازنشستگی) که مستقیماً یا از محل صندوق ایجاد شده توسط یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی پرداخت می‌شود فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود. مع‌ذلک، در صورتی

تعالیه

که خدمات در دولت متعاهد دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، این حق الزحمه ها فقط مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود، مشروط بر آنکه آن شخص مقیم:

- تابع آن دولت متعاهد دیگر بوده، یا

- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

۲ - درمورد حق الزحمه و حقوق بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده در رابطه با فعالیت‌های شغلی انجام شده توسط یک دولت متعاهد یا مقام محلی آن، مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) مجرا خواهد بود.

ماده ۲۰ - مدرسان و محققان :

استاد، معلم یا محقق که به منظور تدریس یا انجام تحقیق در دانشگاه، کالج، مدرسه یا سایر مؤسسات آموزشی شناخته شده، به طور موقت از یک دولت متعاهد بازدید می‌کند و مقیم دولت دیگر شده است یا بلافاصله قبل از بازدید مزبور مقیم دولت متعاهد دیگر بوده است، از مالیات حق الزحمه بابت این تدریس یا تحقیق در دولت نخست برای مدتی که از دو سال تجاوز نکند، معاف خواهد بود.

این ماده در مورد حق الزحمه‌ای که استاد یا معلم برای تحقیق دریافت می‌کند، در صورتی که این تحقیق اساساً برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص خاصی انجام شود، اعمال نخواهد شد.

ماده ۲۱ - محصلان و کارآموزان :

۱ - وجوهی که محصل، نوآموز یا کارآموزی که مقیم یک دولت متعاهد بوده یا بلافاصله قبل از حضور در دولت متعاهد دیگر مقیم آن دولت بوده و به منظور تحصیل یا

تعالیه

کارآموزی در دولت نخست به سر می برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد، مشمول مالیات آن دولت نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲ - شخص حقیقی که مقیم یکی از دولتهای متعاقد است، در زمانی که به طور موقت در دولت متعاقد دیگر به سر می برد و به عنوان مستخدم (یا حسب قرارداد) با مقیم دولت نخست، یا به عنوان مشارکت کننده در یک برنامه تضمین شده توسط دولت کشور دیگر یا بوسیله هر نوع سازمان بین المللی، در دولت متعاقد دیگر به طور موقتی حضور دارد و منظور اولیه از اقامت :

الف - کسب تجارب فنی، حرفه ای یا شغلی از شخصی به غیر از آن مقیم دولت نخست یا غیر از شخص وابسته به چنین مقیمی باشد، یا
ب - تدریس در دانشگاه یا سایر مؤسسات آموزشی رسمی در آن دولت دیگر باشد، برای دوره ای که مدت آن از یک سال تجاوز نکند بابت درآمدش از استخدام از مالیات در آن دولت دیگر معاف خواهد بود.

ماده ۲۲ - سایر درآمدها :

قوانین لازم الاجرای هر یک از دولتها در مورد مالیات بر درآمد جاری خواهد بود به استثنای مواردی که در این موافقتنامه مقررات صریحی بر خلاف آنها وضع شده باشد.

ماده ۲۳ - آئین حذف مالیات مضاعف :

۱ - در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت متعاقد دیگر به عنوان تخفیف از



تعلیق

مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود. مع ذلک، این گونه کسورات نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر در آن دولت دیگر، حسب مورد به درآمد تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

۲ - در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم

یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می تواند علی رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقیمانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۴ - عدم تبعیض:

۱ - اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچ گونه مالیات یا

الزامات مربوط به آن که سنگینتر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود.

۲ - مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ

می شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاقد دیگر که همان فعالیتها را انجام می دهند نامساعدتر باشد.

۳ - مؤسسات یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً، به طور مستقیم یا

غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، در

دولت نخست مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگینتر یا غیر از

مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا

ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴ - این مقررات به گونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که

هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال شخصی یا

مسئولیتهای خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می نماید به اشخاص مقیم دولت

متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

تعالیه

ماده ۲۵ - آئین توافق دوجانبه :

۱ - در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی باشد، صرفنظر از طرق احقاق حق پیش‌بینی شده در قوانین ملی دولتهای مزبور، می تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعهادی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۴) باشد به دولت متعهادی که تبعه آن است، تسلیم نماید، اعتراض باید ظرف (۲) سال از تاریخ نخستین اعلام از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده، تسلیم شود.

۲ - اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد.

۳ - مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴ - مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد می توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامات صلاحیتدار با مشورت یکدیگر، آئینها، شرایط، روشها و فنون مقتضی را برای اجرای آئین توافق دوجانبه مندرج در این ماده فراهم می آورند.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۵۵ - ۹

تاریخ ۹ - ۱۱ / ۱۳۸۰

پیوست

تبادل

ماده ۲۶ - تبادل اطلاعات :

۱ - مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی غیر مغایر با این موافقتنامه را که مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه باشد و نیز به منظور جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای مزبور، مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می شود به همان شیوه ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات (از جمله دادگاهها و مراجع اداری) که به امر تشخیص، وصول، اجرا یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش خواهیهای مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه تصمیم گیری می کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یاد شده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲ - مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید.

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرایند تجاری یا اطلاعات شود که افشای آن خلاف خط مشی عمومی (نظم عمومی) باشد.

تعالیه

ماده ۲۷ - اعضای هیأت‌های نمایندگی و مناصب کنسولی:

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیأت‌های نمایندگی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۸ - لازم‌الاجراء شدن:

۱ - این موافقتنامه در هر یک از دولتهای متعاقد تصویب و اسناد تصویب را در اسرع وقت مبادله خواهند کرد.

۲ - این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، قوت قانونی خواهد یافت و مقررات آن به شرح زیر به مورد اجراء گذارده خواهد شد:

الف - در جمهوری اسلامی ایران:

- در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمد که از یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است یا بعد از آن حاصل می‌شود.

- در مورد سایر مالیاتهای بر درآمد، به آن گونه از مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است یا بعد از آن حاصل می‌گردد.

ب - در سریلانکا:

در مورد مالیات بر درآمد قابل تشخیص برای هر سال تشخیص مالیاتی مربوط که از دوازدهم فروردین ماه برابر با اول آوریل سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه قوت قانونی یافته است یا بعد از آن حاصل می‌گردد.

تعالیه

ماده ۲۹ - فسخ :

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاهد فسخ نشده لازم الاجراء خواهد بود. هر یک از دولتهای متعاهد می توانند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل تا شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجراء می گردد، فسخ نمایند. در این صورت اجرای این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

الف - در جمهوری اسلامی ایران:

- نسبت به مالیاتهای تکلیفی به آن قسمت از درآمد که از یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت فسخ تسلیم شده است یا بعد از آن، حاصل شود.

- نسبت به سایر مالیاتهای بر درآمد، به آن گونه مالیاتهای متعلقه برای هر سال مالیاتی که از یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت فسخ تسلیم شده است یا بعد از آن، حاصل شود.

ب - در سریلانکا:

- در مورد مالیات بر درآمد قابل تشخیص برای هر سال تشخیص مالیاتی مربوط که از تاریخ دوازدهم فروردین ماه برابر با اول آوریل سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت فسخ تسلیم شده است یا بعد از آن، حاصل شود.

بنا به مراتب فوق، مقامات صلاحیتدار دو دولت این موافقتنامه را امضاء نمودند.


این موافقتنامه در تهران در دو نسخه در تاریخ ۴ مرداد ماه ۱۳۷۹ هجری شمسی

تعالیه

برابر با ۲۵ جولای ۲۰۰۰ میلادی به زبانهای فارسی، سین هالا و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف	از طرف
جمهوری سوسیالیستی دموکراتیک سریلانکا	جمهوری اسلامی ایران

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و بیست و نه ماده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ سوم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و نه تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.


مهدی کروی
رئیس مجلس شورای اسلامی